

مؤلفه‌های نابودی رژیم صهیونیستی از دیدگاه قرآن

حجت الاسلام والمسلمین مرتضی غرسبان روزبهانی*

اشاره

نابودی رژیم صهیونیستی نه تنها خواسته سیاسی یا شعار محور مقاومت، بلکه حقیقتی وعده داده شده در سنت‌های الهی و آیات قرآن کریم است. قرآن کریم تاریخ را صحنه رویارویی دائمی دو جبهه حق و باطل معرفی می‌کند؛ جبهه‌ای که در رأس آن اهل ایمان، مجاهدان و صالحان‌اند؛ از سوی دیگر، جبهه‌ای که در آن طاغوت‌ها، مستکبران و مفسدان جهان قرار دارند. بر اساس این دیدگاه، رژیم صهیونیستی که نماد معاصر طغیان، فساد و استکبار در منطقه و جهان است، به طور طبیعی در مسیر سقوط و نابودی خویش قرار دارد. قرآن کریم از طریق سنن الهی همچون سنت «نصرت مؤمنان»، «افشای باطل و اتمام حجت» و «پایان مهلت ظالمان» قواعدی را بیان می‌کند که مطابق آنها هر نظام طغیانگری دیر یا زود به نابودی می‌انجامد. این نوشتار با تکیه بر تفاسیر معتبر شیعی و تحلیل متون قرآنی، این سه مؤلفه اساسی را تبیین می‌کند و نشان می‌دهد که نابودی رژیم صهیونیستی یک نتیجه محتوم بر اساس قانونمندی‌های الهی است که در قرآن تبیین شده است.

قرآن کریم جهان را عرصه عمل به قوانین حاکم بر هستی می‌داند. این قوانین برخلاف تصور مادی‌گرایان، صرفاً مبتنی بر قدرت نظامی و اقتصادی نیست، بلکه متکی بر اراده الهی و سنت‌های تغییرناپذیر اوست که بر جوامع حاکم است. رژیم صهیونیستی بر پایه استکبار، اشغالگری، تجاوز و انکار حق بنی آدم شکل گرفته است؛ عناصری که در قرآن مترادف با «ظلم» و «طغیان» هستند. آیات متعددی بیان‌کننده این سنت هستند که هیچ ظالمی در نهایت پایدار

* محقق رسمی پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

نخواهد ماند و قدرت او هرچند عظیم به نظر آید، محکوم به زوال است.

این نوشتار سه مؤلفه اصلی را برای اثبات این ادعا بررسی می‌کند که در ادامه به تبیین این سه مؤلفه از دیدگاه آیات الهی پرداخته می‌شود:

(الف) سنت نصرت مؤمنان و ضرورت وجود جبهه مقاوم: تحقق وعده الهی وابسته به حضور و عمل مؤمنان است.

(ب) سنت افشای باطل و اتمام حجت: فروپاشی پوشش‌های ظاهری و آشکارشدن حقیقت، زمینه زوال باطل را فراهم می‌آورد.

(ج) سنت امهال و پایان مهلت: مهلت‌دادن به ظالمان، موقتی است و پایان آن حتمی است.

۱. وجود گروهی از مؤمنان اهل جهاد، استقامت و یاری دین خدا

نخستین و بنیادی‌ترین مؤلفه در پیروزی جبهه حق و نابودی نظام‌های باطل، وجود گروهی از مؤمنان اهل ایمان، جهاد و استقامت است که فعالانه در مسیر یاری دین خدا گام برمی‌دارند. این سنت قرآنی، نصرت الهی را مشروط به آمادگی‌های درونی و بیرونی مؤمنان می‌داند.

(الف) آیه نصرت و فتح قریب

قرآن کریم به صراحت وعده یاری و پیروزی نزدیک را مشروط به تحقق ایمان حقیقی و جهاد می‌داند: «...نَصْرُ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ»^۱ یاری و پیروزی نزدیکی از جانب خداست و مؤمنان را [بدان] بشارت ده».

علامه طباطبایی در المیزان ذیل این آیه تأکید می‌کند وعده «فتح قریب» فقط یک بشارت صرف نیست، بلکه نتیجه طبیعی جهاد مستمر و همراهی آن با ایمان راسخ است. ایمان در اینجا به معنای صرف اعتقاد قلبی نیست، بلکه ایمان، عملی است که فرد را به حرکت و مقابله با ظلم وادار کند. علامه طباطبایی معتقد است: «این نصرت به کسانی وعده داده شده که ایمان آورده و در راه خدا جهاد می‌کنند. هرگاه این شرایط جمع شود، نصرت الهی حتمی است».^۲ این سخن بدان معناست که بدون ایستادگی و جهاد، نصرت محقق نمی‌شود.

۱. صف: ۱۳.

۲. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۹، ص ۳۶۵.

ب) نقش حواریون و مصداق‌سازی در طول تاریخ

این مؤلفه در آیه بعد سورة «صف» نیز تکرار می‌شود؛ آنجا که حضرت عیسیٰ علیه السلام یاران خود را به نصرت دین الهی فرامی‌خواند و می‌فرماید: «... قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمَنْتَ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ»^۱ عیسی بن مریم به حواریون گفت یاران من در راه خدا چه کسانی اند؟ حواریون گفتند ما یاران خداایم؛ پس طایفه‌ای کفر ورزیدند و کسانی را که گرویده بودند، بر دشمنانشان یاری کردیم تا چیره شدند».

مفسران بر این نکته تأکید دارند که این سنت و ویژه زمان پیامبران گذشته نیست، بلکه الگویی برای تمام دوران‌هاست. تفسیر نمونه ذیل آیات پیش‌گفته یادآور می‌شود این وعده نصرت اختصاص به امت خاصی ندارد و سنتی عام در طول تاریخ است؛ بنابراین هر امتی که در مسیر حق و جهاد فی سبیل الله قرار گیرد، مورد تأیید الهی قرار گرفته است و بر دشمنان خود پیروز می‌شود.^۲

امروزه شکل‌گیری جبهه مقاومت اسلامی متشکل از ملت فلسطین، حزب الله لبنان، گروه‌های مقاومت در یمن و ایران و نیروهای مؤمن در منطقه، مصداق عینی تحقق این وعده الهی است. این جبهه با تکیه بر ایمان و مقاومت در برابر قدرت‌های برتر نظامی و پشتیبانی‌های جهانی، بارها توانسته است قدرت بازدارندگی رژیم صهیونیستی را درهم‌شکند. مقاومت در برابر تهاجمات مانده جنگ ۳۳ روزه لبنان (۲۰۰۶) و درگیری‌های اخیر در غزه، نشان داد سلاح ایمان و اراده شکست‌ناپذیر، می‌تواند ابهت نظامی استکبار را درهم‌شکند. این پیروزی‌ها تجلی عملی آیه شریفه است: «... فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ»^۳ و کسانی را که گرویده بودند، بر دشمنانشان یاری کردیم تا چیره شدند».

مقاومت فقط اقدامی نظامی نیست، بلکه تداوم حرکت بر مدار حق است. خداوند بر «صبر» و «استقامت» تأکید فراوان دارد؛ از این‌رو در سورة «انفال» به مؤمنان می‌گوید: «يَا أَيُّهَا

۱. صف: ۱۴.

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۳۹۵.

۳. صف: ۱۴.

الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاَتْبَعُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون با گروهی برخورد می‌کنید، پایداری ورزید و خدا را بسیار یاد کنید؛ باشد که رستگار شوید». ثبات قدم در برابر تهاجم، بزرگ‌ترین شرط برای نزول نصرت الهی است. رژیم صهیونیستی بر پایه‌های سستی استوار است که بر پایه ظلم بنا شده است؛ درحالی‌که جبهه مقاومت بر پایه ایمانی است که هرگز تضعیف‌پذیر نیست.

۲. آشکارشدن چهره واقعی رژیم صهیونی و اتمام حجت با جهانیان

دومین مؤلفه اساسی در نابودی رژیم‌های باطل، سنت الهی مبنی بر آشکارسازی ماهیت واقعی آنان و در نتیجه، اتمام حجت با مردم جهان است. باطن باطل همواره می‌کوشد با آرایش‌های فریبنده، چهره‌ای مشروع از خود نشان دهد؛ اما سنت الهی بر این است که این پرده‌ها در نهایت کنار زده شوند.

الف) زوال ذاتی باطل با ظهور حق

قرآن کریم این قاعده کلی را در سوره «اسراء» بیان می‌کند و می‌فرماید: «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»^۲ و بگو حق آمد و باطل نابود شد؛ آری، باطل همواره نابودشدنی است».

مفسران بزرگ مانند علامه طباطبایی، تأکید کرده‌اند «زهوق» (نابودشدن و از بین رفتن) ماهیت ذاتی باطل است. باطل عین نیستی و عدم است؛ بنابراین به محض طلوع نور حق، باطل توان مقاومت ندارد و زوال آن حتمی است.^۳

تا زمانی که چهره رژیم صهیونیستی در پوشش‌هایی چون «تنها دموکراسی منطقه» یا «قربانی همیشگی» پنهان بود، مقاومت جهانی در برابر آن کند پیش می‌رفت؛ اما امروزه به‌ویژه در تحولات اخیر، ماهیت خشونت‌آمیز، نژادپرستانه و نسل‌کش آن برای بخش بزرگی از جهان آشکار شده است. جنایت‌های بی‌سابقه در غزه، نقض مداوم قوانین بین‌المللی و استفاده از ابزارهای نظامی برای تخریب زیرساخت‌ها، همان «زهوق» را برای این باطل به ارمغان می‌آورد.

۱. انفال: ۴۵.

۲. اسراء: ۸۱.

۳. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۳، ص ۲۰۹.

ب) مکر الهی و کید دشمنان علیه خودشان

قرآن کریم تدبیر الهی را بر هر تدبیری چیره می‌داند. این سنت بیان می‌کند که دشمنان حق، غالباً ابزار نابودی خویش را در کانون اقدامات خود فراهم می‌آورند: «وَمَكْرُوا اللَّهَ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ»^۱ و [دشمنان] مکر ورزیدند و خدا [در پاسخشان] مکر در میان آورد و خداوند بهترین مکرانگیزان است». طبرسی در مجمع‌البیان این آیه را مربوط به واکنش خداوند در برابر مکر دشمنان می‌داند؛ یعنی خداوند نقشه‌های آنان را چنان سامان می‌دهد که خودشان سبب زوال خویش شوند.^۲

درباره رژیم صهیونیستی می‌توان مشاهده کرد که استراتژی‌های نظامی و سیاسی افراطی این رژیم، به جای تقویت موقعیت آن، منجر به انزوای بین‌المللی، شکست‌های اطلاعاتی و نظامی در برابر نیروهای مقاومت و تقویت بنیان‌های درونی جبهه مقاومت شده است. هرچه خشونت بیشتر می‌شود، حمایت جهانی از مقاومت فلسطین افزایش می‌یابد و مشروعیت این رژیم بیش از پیش در مجامع بین‌المللی سلب می‌شود. این همان کید الهی است که رژیم صهیونیستی را از درون و بیرون تحلیل می‌برد.

ج) نقش امت اسلام در بلاغ مبین

اتمام حجت فقط کار خدا نیست، بلکه وظیفه‌ای بر دوش مؤمنان است. آنان موظف به «بلاغ مبین» (رساندن پیام روشن) هستند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «...وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ»^۳ و بر فرستاده [خدا] جز ابلاغ آشکار [مأموریتی] نیست». جبهه مقاومت با تکیه بر رسانه‌های جدید و دیپلماسی منطقه‌ای، این وظیفه را به بهترین وجه انجام داده است. انتشار مستمر تصاویر و مستندات جنایات، افشای دروغ‌های پروپاگاندا و روایت‌گری از مقاومت، سبب شده است افکار عمومی جهان به‌ویژه در کشورهای غربی، شاهد تضاد میان تبلیغات رسمی و واقعیت‌های میدانی باشند. این بیداری جهانی یکی از پیش‌نیازهای نابودی کامل رژیم صهیونیستی است؛ زیرا قدرت آن در حمایت‌های بین‌المللی و پنهان‌کاری ریشه دارد.

۱. آل عمران: ۵۴.

۲. فضل بن حسن طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۲، ص ۵۲۶.

۳. نور: ۵۴.

۳. پایان مهلت الهی برای کفار و طغیانگران

سومین مؤلفه که مسیر نابودی رژیم صهیونیستی را نهایی می‌کند، رسیدن به پایان «امهال» (مهلت‌دادن) است. قرآن کریم به ظالمان مهلتی می‌دهد تا ظرفیت طغیان خود را تکمیل کنند و حجت بر آنان تمام شود؛ اما این مهلت، موقتی و محدود است.

الف) سنت امهال و «رَوَیدَا»

قرآن با لحنی قطعی به پیامبر دستور می‌دهد که در برابر دشمنان عجله نکند؛ زیرا خداوند برای آنان زمانی تعیین کرده است: «فَمَهْلُ الْكَافِرِينَ أَمْهَلُهُمْ رَوَیدَا:»^۱ پس کافران را مهلت ده و کمی آنان را به حال خود واگذار.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه توضیح می‌دهد «رَوَیدَا» به معنای اندک و کوتاه است. این مهلت فرصتی برای افزایش ظلم و گناه است تا سقف طغیان پر شود و عذاب الهی بر اساس سنت تبدیل استدراج به عقوبت نازل گردد.^۲ این مهلت، نشانه رضایت خداوند نیست، بلکه اوج آزمایش الهی برای آن طاغوت است.

ب) شمارش اعمال و نزدیک شدن پایان

این مفهوم در آیات دیگر با شدت بیشتری تکرار شده است؛ تأکید بر اینکه خداوند اعمال آنان را به دقت ثبت می‌کند و می‌فرماید: «فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا:»^۳ پس بر ضد آنان شتاب مکن که ما [روزها] را برای آنها شماره می‌کنیم». تفسیر نمونه در توضیح این آیه می‌فرماید: «عَدًّا، یعنی شمارش دقیق لحظات و نفس‌های آنان. این شمارش نشان‌دهنده آن است که عمر سلطه باطل، هرچقدر طولانی به نظر رسد، دارای حد و مرزی است که فراتر از آن، نابودی فراخواهد رسید».^۴

رژیم صهیونیستی با اتکا به پشتیبانی‌های قدرت‌های بزرگ، کوشیده است از هرگونه پاسخ‌گویی بگریزد و خود را مصون از هر پیامد تاریخی بداند؛ اما قرآن می‌آموزد که این

۱. طارق: ۱۷.

۲. سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۲۰، ص ۲۲۶.

۳. مریم: ۸۴.

۴. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۳۳۸.

مصونیت، توهمی بیش نیست. اقدامات اخیر این رژیم به‌ویژه در غزه، نشان از اوج‌گیری جنون‌آمیز طغیان دارد که غالباً مقدمه فروپاشی سریع و انتظارناپذیر نظام‌های مستکبر است. وقتی ظالم احساس می‌کند که هر کاری می‌تواند انجام دهد و پاسخی دریافت نخواهد کرد، در حال سقوط است.

ارتباط مؤلفه‌های سه‌گانه

تحقق دو مؤلفه اول (نصرت مؤمنان و افشای باطل) مستقیماً بر زمان تحقق مؤلفه سوم (پایان مهلت) اثر می‌گذارد. هرچه جبهه ایمان قوی‌تر و جهاد مؤثرتر باشد و هرچه چهره باطل بیشتر آشکار شود، خداوند این مهلت را کوتاه‌تر می‌کند. بنابراین فعال‌بودن مؤمنان در جهاد و روشنگری نه تنها برای پیروزی‌های کوتاه‌مدت، بلکه برای تسریع در اتمام مهلت الهی لازم است. فرعون‌ها و نمرودها با اتمام پیمانه ظلم خود سقوط کردند، و امروز نشانه‌های پرشدن پیمانه ظلم صهیونیست‌ها از طریق مقاومت و افشاگری جهانی مشاهده می‌شود.

بنابراین بر اساس سه مؤلفه مطرح، می‌توان گفت مسیر نابودی رژیم صهیونیستی بر اساس سنن قرآنی، وارد مرحله نهایی خود شده است. وعده قرآنی «لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»^۱ به‌صراحت اعلام می‌کند حمایت الهی از یاری‌کنندگان دینش، یک اصل تغییرناپذیر است. این نصرت درنهایت به پیروزی مستضعفان منجر خواهد شد.

به تعبیر علامه طباطبایی، تاریخ امت‌ها تابع سنن الهی است، نه خواست قدرت‌ها؛ بنابراین هرگاه ملتی در مسیر ایمان و جهاد گام بردارد، سقوط طاغوت‌ها محتوم است. نابودی رژیم صهیونیستی از منظر قرآن نه حادثه‌ای تصادفی، بلکه تحقق همان وعده الهی است که می‌فرماید: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۲. جبهه مقاومت و ملت مظلوم فلسطین مصداق روشن مستضعفانی هستند که وعده خلافت زمین به آنان داده شده است؛ همچنین امروز نشانه‌های این وعده در مقاومت نسل‌های نو و فروپاشی درونی اسرائیل هویدا است که بر اساس سنت‌های تغییرناپذیر قرآن، سرنوشت محتوم آنان رقم خواهد خورد.

۱. حج: ۴۰.

۲. قصص: ۵.

نتیجه

نابودی رژیم صهیونیستی بر سه پایه ذیل استوار است:

۱. تشکیل جبهه نصرت: جبهه مقاومت اسلامی به مثابه مصداق عینی «انصارالله»، شرایط نصرت الهی را فراهم آورده است. مقاومت امروز نه یک گروه کوچک، بلکه ائتلافی منطقه‌ای است که ایمان و اراده را در برابر قدرت مادی قرار داده است.

۲. افشای کامل ماهیت: چهره واقعی رژیم صهیونیستی در جایگاه پروژه‌ای استعماری و اشغالگر، برای بخش عظیمی از جامعه جهانی آشکار شده است. این افشاگری موجب از بین رفتن مشروعیت آن در نظام بین‌الملل شده است و آن را در معرض سقوط داخلی و انزوای خارجی قرار داده است.

۳. نزدیک شدن پایان مهلت: شدت اقدامات تروریستی و ظلم، نشان‌دهنده اوج گرفتن مرحله استدراج است که مقدمه نابودی قطعی است.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.
۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۳. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، چ ۱۰، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.